

خلاصه مدیریتی طرح پژوهشی برآورد نرخ  
بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش معدن و مقایسه  
آن با سایر بخش‌های عمده اقتصادی کشور

کد موضوعی: ۳۱۰

شماره مسلسل: ۱۳۸۰۷

مردادماه ۱۳۹۳

دقت: مطالعات انرژی، صنعت و معدن

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	۱. جایگاه بخش معدن در اقتصاد کشور
۸	۲. یافته‌های اصلی مطالعه
۱۱	جمع‌بندی



## خلاصه مدیریتی طرح پژوهشی برآورد نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش معدن و مقایسه آن با سایر بخش‌های عمده اقتصادی کشور

### چکیده

گزارش حاضر، خلاصه‌ای مدیریتی برگرفته از مطالعه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان برآورد نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش معدن و مقایسه آن با سایر بخش‌های عمده اقتصادی کشور است که با هدف برآورد نرخ بازدهی سرمایه در بخش معدن کشور و مقایسه بازده سرمایه در بخش معدن با سایر بخش‌های عمده اقتصادی کشور انجام گرفت.

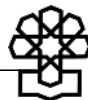
یافته‌های این مطالعه که متکی بر روش تابع تولید و الگوسازی اقتصادسنجی است بیانگر آن است که بازدهی متوسط و نهایی سرمایه در بخش معدن نسبت به سایر بخش‌ها پایین‌تر است. بر این اساس متوسط بازدهی سرمایه در دوره مورد بررسی در بخش‌های معدن، صنعت، کشاورزی، ساختمان و خدمات به ترتیب ۰/۹۸۵، ۱/۱۴۲، ۳/۴۶۱ و ۰/۳۰۴ بوده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، بیشترین بازدهی سرمایه در بخش ساختمان و کمترین آن به بخش معدن مربوط می‌شود. بازدهی نهایی سرمایه در طول دوره مورد بررسی در بخش‌های کشاورزی،

ساختمان، صنعت، معدن و خدمات به‌طور متوسط به ترتیب ۰/۳۰۶، ۰/۲۲۸، ۰/۰۷۹، ۱/۰۳۱ و ۰/۳۶۳ بوده است. بر این اساس بیشترین بازدهی نهایی سرمایه در بخش ساختمان بوده و کمترین آن به بخش معدن مربوط می‌شود.

### مقدمه

بخش معدن یکی از عمده‌ترین بخش‌های تأمین‌کننده مواد اولیه صنایع محسوب می‌شود به طوری که ذخایر غنی مواد معدنی به‌عنوان یک امکان بالقوه می‌تواند نقش اساسی را در توسعه صنعتی کشور ایفا نموده و راهگشای بسیاری از معضلات خودکفایی صنعت کشور باشد. امروزه اهمیت نقش مواد معدنی در پیشبرد جوامع بشری در بخش‌های مختلف اقتصادی کاملاً مشخص شده و به مثابه رشد و توسعه صنعتی به‌شمار می‌روند. ذخایر معدنی هر کشور از دو دیدگاه حائز اهمیت است، نخست بهره‌برداری بهینه از ذخایر معدنی در جهت افزایش میزان تولید ناخالص داخلی که در نتیجه باعث افزایش درآمد سرانه یک کشور می‌شود، و دوم تأمین مواد اولیه بسیاری از صنایع داخلی که بالطبع فعالیت‌های آنها تأثیر عمده و مستقیم در استقلال صنعتی کشور خواهد داشت. در واقع می‌توان گفت که ذخایر طبیعی در کنار نیروی کار ماهر، خمیرمایه اقتصاد یک جامعه را تشکیل می‌دهد به شرطی که بتواند مزیت نسبی موجود در این بخش را با تدبیر به مزیت رقابتی تبدیل نمود.

ایران با حدود ۱ درصد جمعیت جهان، حدود ۷ درصد ذخایر معدنی کشف شده دنیا را داراست که خود حاکی از در اختیار داشتن بستر مناسب سرمایه‌گذاری در این



بخش است. وجود حدود ۶۸ نوع ماده معدنی (غیرنفتی)، ۳۷ میلیارد تن ذخایر قطعی و ۵۷ میلیارد تن ذخایر احتمالی در ایران نیز تبیین‌کننده همین امر است.

با تکیه بر همین پتانسیل، می‌توان ادعا کرد که بیش از ۳۰ درصد ارزش اسمی بورس و نزدیک به ۱ درصد از GDP کشور متعلق به بخش معدن بوده و ۵ الی ۶ درصد از GDP کشور به صنایع معدنی تعلق دارد و شرکت‌های معدنی جزء با ثبات‌ترین شرکت‌ها؛ و در ردیف ۱۰۰ شرکت برتر در داخل کشور هستند.

در شرایط فعلی که اقتصاد ایران با انواع تنگناها و نارسایی‌های ناشی از تحریم‌ها و سوءمدیریت‌ها از جمله تنگناهای مالی و سرمایه‌ای روبرو است؛ تصمیم‌گیری عالمانه و خردمندانه در جهت تخصیص بهینه منابع محدود از ضروریات توسعه اقتصادی کشور است. یکی از اساسی‌ترین تصمیمات در این زمینه اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری در بخش‌های مهم اقتصادی است. این اولویت‌بندی باید مبتنی بر معیارهای مشخص و معتبر صورت گیرد. یکی از مهمترین معیارها برای این منظور استفاده از نرخ بازدهی و کارآیی سرمایه‌گذاری است. در راستای این مهم این مطالعه تلاش کرده است با برآورد نرخ بازدهی سرمایه در بخش معدن و مقایسه آن با سایر بخش‌های عمده اقتصادی، راهنمای مناسبی برای سیاستگذاران و فعالان اقتصادی باشد.

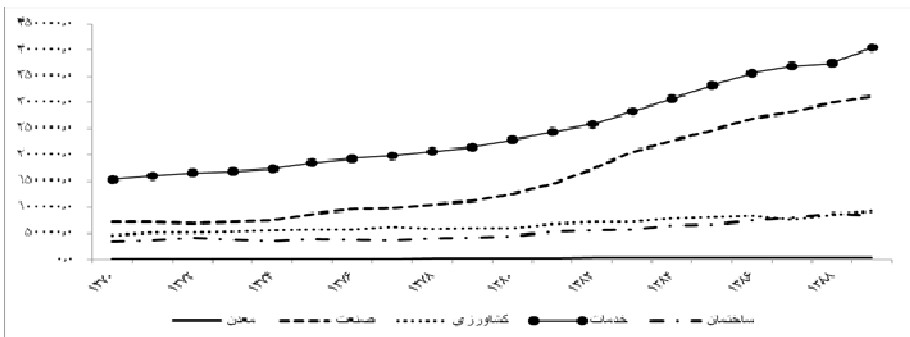
### ۱. جایگاه بخش معدن در اقتصاد کشور

در این مطالعه، جایگاه بخش معدن در اقتصاد کلان کشور با استفاده از شاخص‌ها و متغیرهایی مانند میزان تولید و ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری، موجودی سرمایه، نسبت فزآینده سرمایه به تولید و سرمایه سرانه در بخش عمده اقتصادی کشور مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

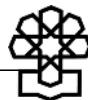
ترتیب بخش‌های عمده اقتصادی در طول دوره مورد بررسی از حیث میزان تولید بدین صورت بوده است که همواره بخش خدمات در صدر بخش‌ها قرار گرفته و بخش‌های صنعت، کشاورزی، ساختمان و معدن به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. تولید بخش معدن در طول دوره ۲۰ ساله با رشد متوسط سالیانه ۵/۷ درصدی از ۱۶۷۶/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۴۸۰۴/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است.

#### نمودار ۱. روند ارزش تولید بخش‌های عمده اقتصادی کشور

(میلیارد ریال)



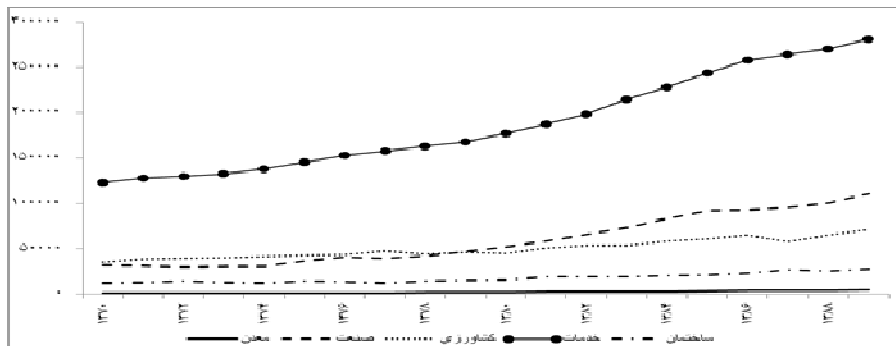
مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.



از لحاظ میزان ارزش افزوده باز هم بخش خدمات در صدر قرار گرفته و بعد از آن بخش های صنعت، کشاورزی، ساختمان و خدمات به ترتیب در جایگاه های بعدی قرار گرفته اند. ارزش افزوده بخش معدن با رشد متوسط سالیانه  $7/49$  درصدی از  $1169$  میلیارد ریال در سال  $1370$  به  $615$  میلیارد ریال در سال  $1389$  افزایش یافته است.

## نمودار ۲. روند ارزش افزوده بخش های عمده اقتصادی کشور

(میلیارد ریال)

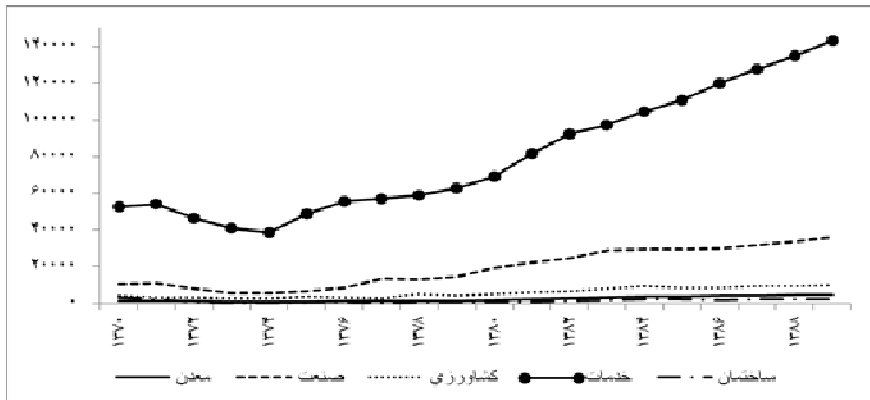


مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

در طول سال های مورد بررسی، سرمایه گذاری در بخش صنعت با نرخ رشد متوسط سالیانه  $6/65$  درصدی در صدر بخش ها قرار گرفته و بعد از آن بخش های معدن، خدمات، کشاورزی و ساختمان با  $6/53$ ،  $5/4$ ،  $4/92$  و  $1/5$  درصد در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. سرمایه گذاری معدنی در طول سال های مورد بررسی با نرخ متوسط سالیانه  $6/53$  درصدی از  $1468$  میلیارد ریال در سال  $1370$  به  $887$  میلیارد ریال در سال  $1389$  افزایش یافته است.

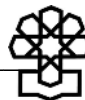
نمودار ۳. سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۹

(میلیارد ریال)

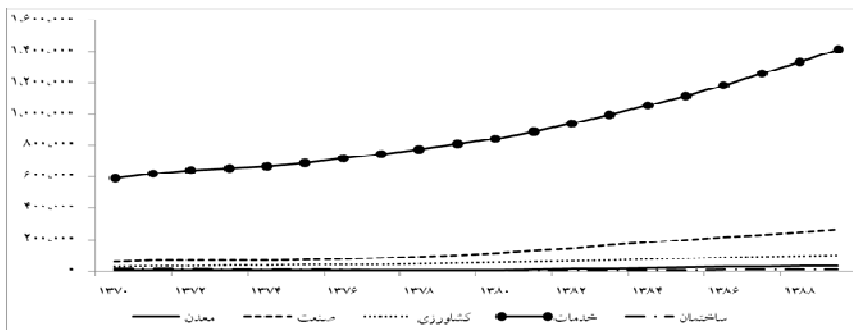


مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

در میان بخش‌های عمده اقتصادی بیشترین انباشت سرمایه در بخش خدمات صورت گرفته و این متغیر همواره روندی صعودی با شیب تند را طی کرده است. کمترین انباشت سرمایه نیز از آن بخش معدن و ساختمان بوده است. در ابتدای دوره مورد بررسی انباشت سرمایه در بخش معدن کمتر از ساختمان بوده است؛ ولی به نظر می‌رسد پس از سال ۱۳۸۲ بخش معدن توانسته از این منظر عملکرد بهتری نسبت به بخش ساختمان داشته باشد. بخش‌های صنعت و کشاورزی نیز با اینکه هر دو روندی صعودی داشته‌اند؛ اما در مقایسه با بخش خدمات چندان موفق عمل نکرده‌اند. در این دوره موجودی سرمایه در بخش معدن با رشد متوسط سالیانه ۷/۸۶ درصدی از ۸۴۰۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۳۵۳۹۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۹ افزایش یافته است.

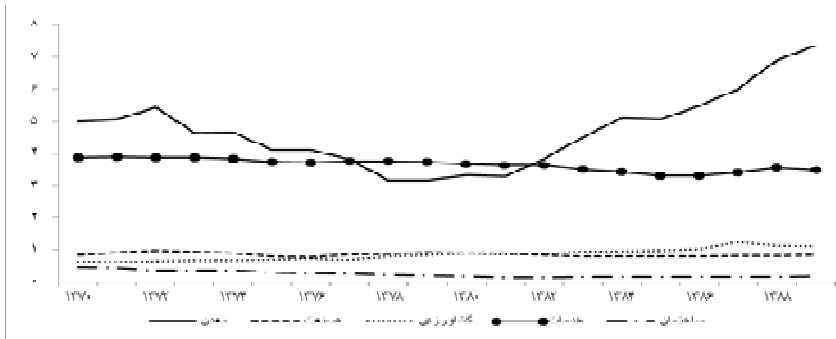


#### نمودار ۴. موجودی سرمایه در بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۹ (میلیارد ریال)



مفهوم نسبت سرمایه به تولید یا ضریب سرمایه، رابطه بین ارزش سرمایه سرمایه‌گذاری شده و ارزش تولید را نشان می‌دهد. یعنی به مقدار سرمایه‌ای اطلاق می‌شود که برای تولید هر یک واحد اضافه‌تر از محصول به‌کار می‌رود. اطلاعات موجود نشان‌دهنده این است که بیشترین مقدار این شاخص از آن بخش معدن است؛ به عبارت دیگر برای تولید هر واحد بیشتر در بخش معدن مقدار سرمایه بیشتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی لازم است. روند این شاخص در بخش معدن از شروع دوره مورد بررسی (۱۳۷۰) تا پایان سال ۱۳۸۱ نسبتاً کاهش یافته و از ۵/۰۱ در آن سال به ۳/۲۸ در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است. اما از سال ۱۳۸۱ به بعد روند به شدت فزاینده به خود گرفته و در انتهای دوره (۱۳۸۹) به رقم ۷/۳۷ افزایش یافته است. متوسط این شاخص برای بخش معدن در دوره ۲۰ ساله مورد بررسی ۴/۷۱ بوده است؛ در حالی که این شاخص برای بخش‌های صنعت، کشاورزی، خدمات و ساختمان به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۶، ۳/۶۶ و ۰/۲۴ گزارش شده است.

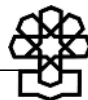
### نمودار ۵. نسبت فزاینده سرمایه به تولید در بخش‌های عمده اقتصادی طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۸۹



### ۲. یافته‌های اصلی مطالعه

این مطالعه با هدف تعیین و مقایسه نرخ بازدهی سرمایه در بخش معدن و سایر بخش‌های عمده اقتصادی (صنعت، کشاورزی، خدمات و ساختمان) انجام شد. برای برآورد تجربی بازدهی سرمایه در بخش معدن و مقایسه آن با سایر بخش‌های عمده اقتصادی از رهیافت تابع تولید استفاده شد و ملاحظه شد که بازدهی متوسط و نهایی سرمایه در بخش معدن نسبت به سایر بخش‌ها پایین‌تر است. خلاصه نتایج به‌دست آمده از برآورد تجربی به صورت زیر بود:

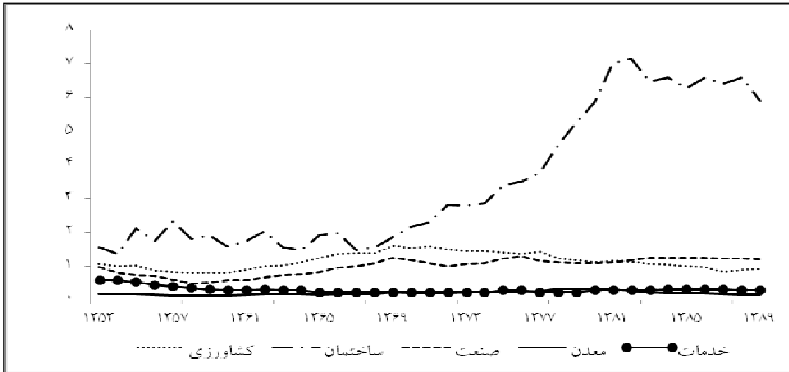
۱. متوسط بازدهی سرمایه در دوره مورد بررسی در بخش‌های کشاورزی، ساختمان، صنعت، معدن و خدمات به ترتیب ۱/۱۴۲، ۳/۴۶۱، ۰/۹۸۵، ۰/۱۹۳ و ۰/۳۰۴ بوده است. یعنی طی این دوره به ازای یک ریال سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها به



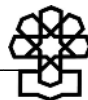
ترتیب ۱/۱۴۲، ۳/۴۶۱، ۰/۹۸۵، ۰/۱۹۳ و ۰/۳۰۴ ریال ارزش افزوده ایجاد شده است. به عبارت دیگر برای ایجاد یک ریال ارزش افزوده در بخش های کشاورزی، ساختمان، صنعت، معدن و خدمات طی دوره مذکور به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۲۹، ۱/۰۲، ۵/۱۸ و ۳/۲۹ ریال سرمایه لازم است. همانطور که ملاحظه می شود، بیشترین بازدهی سرمایه در بخش ساختمان و کمترین آن به بخش معدن مربوط می شود.

در طول دوره مورد بررسی، بازدهی متوسط سرمایه در بخش معدن از ۰/۱۶۶ در سال ۱۳۵۳ شروع شده و با یک روند کاهنده در سال ۱۳۵۸ به حداقل خود در کل دوره (۰/۱۱۶) رسیده است. روند فزاینده و نوسانی این شاخص از سال ۱۳۵۹ شروع شده و در سال ۱۳۷۸ به حداکثر میزان خود (۰/۳۱۶) در طول دوره مورد بررسی دست یافته است. بعد از آن سال این شاخص مجدداً رو به کاهش گذاشته و در انتهای دوره، یعنی سال ۱۳۸۹ به ۰/۱۳۶ رسیده است.

نمودار ۶. بازدهی متوسط سرمایه در بخش‌های عمده اقتصادی کشور طی سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۸۹



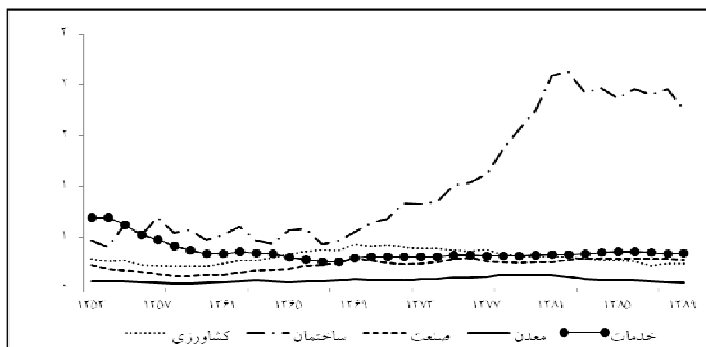
۲. بازدهی نهایی سرمایه در طول دوره مورد بررسی در بخش‌های کشاورزی، ساختمان، معدن و خدمات به‌طور متوسط به ترتیب ۰/۳۰۶، ۱/۰۳۱، ۰/۲۲۸، ۰/۰۷۹ و ۰/۳۶۳ بوده است. این امر بدین معناست که به ازای یک ریال تغییر در موجودی سرمایه در این بخش‌ها به ترتیب ۰/۳۰۶، ۱/۰۳۱، ۰/۲۲۸، ۰/۰۷۹ و ۰/۳۶۳ ریال در ارزش‌افزوده آنها تغییر ایجاد می‌شود. بر این اساس بیشترین بازدهی نهایی سرمایه در بخش ساختمان بوده و کمترین آن به بخش معدن مربوط می‌شود. روند تغییرات بازدهی نهایی سرمایه در بخش معدن مانند روند بازدهی متوسط آن بوده است؛ به‌طوری که بازدهی نهایی سرمایه در این بخش در سال ۱۳۵۳، ۰/۰۶۸ بوده که با یک روند کاهشی در سال ۱۳۵۸ به حداقل خود در کل دوره (۰/۰۴۷) رسیده است. روند افزایشی و پرنوسان این شاخص از سال ۱۳۵۹ شروع شده و به حداکثر میزان خود در طول دوره مورد بررسی، یعنی ۰/۱۳۰ در سال ۱۳۷۸ دست



یافته است. روند این شاخص از سال ۱۳۷۹ مجدداً کاهشی شده و در انتهای دوره، یعنی سال ۱۳۸۹ به ۰/۰۵۶ رسیده است.

نمودار ۷. بازدهی نهایی سرمایه در بخش‌های عمده اقتصادی کشور

طی سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۸۹



### جمع‌بندی

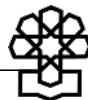
با وجود میلیاردها تن ذخایر شناخته شده معدنی در ایران، هنوز سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی کمتر از یک درصد است. عدم رشد و توسعه بایسته و شایسته بخش معدن از عدم وجود نگاه علمی و کارشناسانه به این بخش و همچنین عدم وجود انگیزه عمومی کافی برای سرمایه‌گذاری در آن ناشی می‌شود. در کشورهای پیشرفته معدنی دارای ذخایر همسان با ایران، سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی بسیار بالاتر از ایران است. با توجه به این عدم تناسب برخی از کارشناسان حوزه صنعت، معدن و صنایع معدنی، معضلات و تنگناهای بخش معدن را که منجر

به کاهش سرمایه‌گذاری در این بخش شده است، در موارد زیر خلاصه کرده‌اند:

فقدان زیربناهای فیزیکی، کمبود منابع برای تحقیق و توسعه، ریسک بالای اکتشاف و بهره‌برداری در بخش معدن به دلیل نبود اطلاعات پایه زمین‌شناسی قابل اتکا، زمان‌بر بودن اکتشاف معدنی و کند بودن بازگشت سرمایه، ناکافی بودن استانداردهای تولید و مصرف مواد معدنی، ضعف در بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، افزایش محدودیت‌های بین‌المللی و تأثیر آن بر دریافت دانش فنی و تجهیزات تولیدی از خارج از کشور، پایین بودن عمر مفید تجهیزات معدنی، عدم وجود نظام جامع آماري و اطلاعات معدنی، ضعف در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تأکید بر فرآوری مواد اولیه به صورت دستوری بدون توجه به مقتضیات اقتصادی و بازار جهانی، پایین بودن تکنولوژی اکتشاف و استخراج در ایران، عدم پذیرش پروانه بهره‌برداری معدن به عنوان وثیقه بانکی و ... .

در مطالعه حاضر روند سرمایه‌گذاری و موجودی سرمایه در بخش معدن و سایر بخش‌های عمده اقتصادی بررسی و ملاحظه شد که این بخش ضمن اینکه نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی در جذب سرمایه‌گذاری‌ها و انباشت سرمایه بسیار ضعیف عمل کرده است، بلکه در استفاده از منابع سرمایه‌ای موجود هم کارآیی و اثربخشی لازم را نداشته است. از طرف دیگر ضمن اینکه نرخ بازدهی سرمایه در این بخش نسبت به سایر بخش‌ها پایین است، دوره بازگشت آن هم طولانی‌تر از سایر بخش‌هاست.

البته در این زمینه باید اذعان داشت که پایین بودن بازدهی سرمایه در بخش



معدن ضرورتاً ناشی از پایین بودن بهره‌وری در این بخش نیست و چه بسا ممکن است به اعتبار ماهیت فعالیت‌ها، ناشی از نیاز بالای آن به سرمایه باشد. در رابطه با ماهیت فعالیت‌های بخش معدن موارد زیر قابل ارائه است:

۱. به اعتبار اینکه اغلب معادن در نقاط مختلف و معمولاً دورافتاده کشور پراکنده هستند، انتخاب محل سرمایه‌گذاری از اختیار سرمایه‌گذار خارج بوده و جبر طبیعت تعیین‌کننده آن است. بنابراین انتقال یا ایجاد زیرساختارهای ضروری مانند تخصص‌های لازم، بهداشت، راه، آب، برق و گاز و... یکی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی سرمایه‌گذاران در این بخش است؛ که می‌بایست مورد توجه حاکمیت در این بخش قرار گیرد.

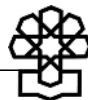
۲. با توجه به ماهیت فعالیت‌های معدنی، طبیعتاً فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در این بخش نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی نیاز به سرمایه اولیه و ثابت بیشتری دارد.

۳. محدودیت‌های قانونی و مقرراتی از جمله مقررات زیست‌محیطی و منابع طبیعی در مقابل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این بخش نسبت به بخش‌های دیگر بیشتر است.

۴. با توجه به ماهیت محصولات تولیدی در این بخش و حجم و اندازه و وزن آنها، هزینه حمل‌ونقل و بالاخص صادرات آنها بسیار بالاتر از سایر بخش‌هاست.

۵. از لحاظ ریسک فعالیت‌های انسانی، نسبت به سایر فعالیت‌های مشابه در بخش‌های دیگر در ردیف فعالیت‌های پرریسک طبقه‌بندی می‌شود. به این اعتبار طبیعتاً هزینه‌های بیمه‌ای سنگین‌تری نسبت به سایر بخش‌ها بر کارفرمایان تحمیل می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، موارد بالا در مجموع نیاز بخش به سرمایه را فارغ از میزان تولید بالا می‌برند. از طرف دیگر باید توجه داشت که علیرغم پایین بودن نرخ بازدهی سرمایه در این بخش و طولانی بودن دوره بازگشت سرمایه، این بخش را باید در ردیف بخش‌ها و فعالیت‌های استراتژیک طبقه‌بندی کرده و در سرمایه‌گذاری‌ها و تسهیلات قانونی و اعتباری و... در اولویت قرار داد؛ زیرا که بخش معدن به اعتبار داشتن پیوندهای پسین و پیشین بسیار قوی با سایر بخش‌ها و فعالیت‌های عمده اقتصادی و تأمین مواد اولیه لازم برای اغلب صنایع و ساختمان، در توسعه و پیشرفت سایر بخش‌ها هم نقش پررنگ‌تری دارد. شاید بتوان ادعا کرد که توسعه اغلب فعالیت‌های صنعتی کشور منوط به فعالیت کارآمد بخش معدن است. همچنین باید بازدهی اصلی این بخش را در زنجیره‌های تولید ارزش، بالاخص در صنایع معدنی و وابسته به معدن جستجو کرد. براساس نظریه و تعریف، زنجیره ارزش شامل فعالیت‌هایی است که برای سازمان، صنعت، بخش و یا کل اقتصاد دارای ارزش‌افزوده بوده و می‌تواند فرآیند تولید و عرضه محصول را تسهیل و محصول نهایی را از جهت قیمت رقابتی سازد. به‌عبارت دیگر زنجیره ارزش مجموعه عملیاتی است که در یک صنعت به صورت زنجیرگونه انجام می‌پذیرد تا به خلق ارزش منجر شود. محصولات از حلقه‌های این زنجیره عبور می‌کنند و در هر حلقه ارزشی به محصول نهایی افزوده می‌شود. به‌کارگیری مفهوم زنجیره ارزش در بخش معدن و صنایع معدنی منجر به شکل‌گیری نگاه یکپارچه به فعالیت‌ها و وظایف مختلف و به تبع آن منابع این بخش می‌شود. این امر کمک می‌کند که منابع بخش معدن در جهت

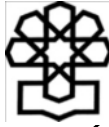


مزیت‌های بخش به‌طور اخص و کل اقتصاد به‌طور اعم مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد. در فعالیت‌های معدنی و صنایع مرتبط با آن، معمولاً زنجیره ارزش یک شرکت به زنجیره ارزش شرکت‌های دیگر متصل شده و خود عضوی از زنجیره‌ای بزرگتر می‌شود. توجه به این زنجیره سبب می‌شود که در فرآیند ارزش‌آفرینی، ارزش واقعی محصول و یا خدمت در فرآیند تأمین، تولید و توزیع به شکل علمی مشخص شده و نقش و سهم محصولات معدنی در ارزش‌افزوده سایر صنایع و فعالیت‌های اقتصادی روشن شود. از این منظر می‌توان ادعا کرد که در اقتصاد ایران بقای صنایع کشور، بالاخص صنایع معدنی در فضای رقابتی منوط به توجه کافی به بخش معدن است.

باید توجه داشت که در میان بخش‌های مورد بررسی، **بخش ساختمان** که رتبه نخست نرخ بازگشت سرمایه را به خود اختصاص می‌دهد، **بدون تکیه بر مواد معدنی استخراجی**، به‌طور کلی ماهیت خود را از دست خواهد داد. نکته دیگر در این زمینه این است که پایین بودن نرخ بازگشت سرمایه در بخش معدن می‌تواند ناشی از **عدم احتساب صنایع معدنی و کل زنجیره ارزش** باشد؛ چراکه با محاسبه کل زنجیره ارزش شاید نتایج بهتری در تمامی شاخص‌های محاسبه شده رخ دهد. این شاخص‌ها در بخش معدن کشورهای دیگر همچون استرالیا، کانادا، شیلی و دیگر کشورهای معدن‌خیز جهان، رتبه بهتری نسبت به دیگر بخش‌های موجود دارند و این نتایج در ایران نشان‌دهنده یک عدم توجه جدی در طول سالیان گذشته به بخش معدن را نمایان می‌سازد.

بنابراین علیرغم پایین بودن سهم بخش معدن در ارزش‌افزوده بخش‌های

اقتصادی اهمیت آن در تداوم فعالیت‌های سایر بخش‌ها قابل چشم‌پوشی نیست. امروزه تولیدات معدنی کاربردهای فراوانی در صنایع خودروسازی، هواپیما، صنایع غذایی، ارتباطات، صنعت برق، داروسازی، شبکه‌های ریلی، راهسازی، ساخت لوازم خانگی و موارد مشابه در کشور دارند.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۸۰۷

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: خلاصه مدیریتی طرح پژوهشی برآورد نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش معدن و مقایسه آن با سایر بخش‌های عمده اقتصادی کشور

نام دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن

تهیه و تدوین: اسماعیل صفرزاده

ناظر علمی: هوشنگ محمدی، فرید دهقانی

متقاضی: معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —



واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۵/۵